

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان ۱۳۹۴

ص ص ۶۳-۸۰

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس

جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب

دکتر سیروس فخرایی^۱

مهناز پور تقی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۵/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس در بین جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب می‌پردازد. برای چارچوب نظری تحقیق از مدل کارکردگرایی-ساختاری پارسونز، تئوری رابرت کی‌مرتن، تئوری ویلیام گود، شلسکی، گرانسه‌هایم، تامپسون، گیدنز و تئوری ماکس هورکهایمر استفاده شده است. روش پژوهش از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری تحقیق، جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال (بین ۳۰ تا ۳۹ سال) شهر بناب است که تعدادشان (۹۶۶) نفر می‌باشد، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه به دست آمده از جامعه آماری (۱۹۷) نفر می‌باشد و روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک بوده است. نتایج به دست آمده از تحقیق حاکی از آن است که بین میزان تمایل به ادامه تحصیل، میزان مشکل پسندی جوانان، میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر، میزان احساس مشکل اشتغال جوانان پسر و میزان تمایل به داشتن زندگی مجردی با دیررسی ازدواج جوانان رابطه معناداری وجود داشته است. رابطه متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یکدیگر و سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده با دیررسی ازدواج جوانان معنادار نبوده است. **واژگان کلیدی:** دیررسی ازدواج، خانواده، جوانان، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و ادامه تحصیل.

مقدمه

ازدواج به عنوان یکی از رویدادهای مهم و حیاتی در زندگی روزمره افراد جامعه می‌باشد و از جنبه‌های مختلف می‌توان آن را مورد بررسی قرارداد. یکی از زوایا سن شروع و به اصطلاح واردشدن به سن ازدواج

۱. استادیار گروه اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران- ایران (نویسنده مسئول).

۲. گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران.

است. ازدواج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسیتی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می‌کند و به خاطر اهمیت و تأثیری که دارد، به عنوان هنجاری پذیرفته شده در تمامی کشورهای دنیا به حساب می‌آید، به لحاظ اجتماعی و فرهنگی بی‌توجهی والدین نسبت به ازدواج امری ناپسند به شمار می‌آید، چرا که بقاء خانواده درگرو بقاء و سامان‌دهی ازدواج است (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۹۹)، در سال‌های اخیر پدیده ازدواج که منشاء وقوع ولادت و باروری و به عنوان عامل بسیار موثر بر ساخت سنی و جنسی، جمعیت و افزایش آن محسوب می‌شود، در کشور دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. ازدیاد جمعیت دختر و پسر واقع در مدار ازدواج که بیش از ۳/۱ درصد جمعیت کشور را تشکیل داده‌اند و حاصل افزایش شدید مولید دهه ۶۰ می‌باشند از یک سو و از سوی دیگر بازتاب تحولات واقع شده در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نظیر افزایش شهرنشینی و باسواد و به ویژه تحصیلات زنان و تمایل به کسب درآمد و شغل مناسب در قبل از ازدواج که از نشانه‌های حرکت جامعه به سوی مدرنیته شدن می‌باشد. افزایش سن ازدواج در کشور برای دولت مردان و جامعه محققین نگران کننده گردیده است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۷). امروزه وقتی مسئله ازدواج در خانواده‌ها و در میان جوانان مطرح می‌شود غالباً به جای این که به ضرورت این امر بیندیشند، تصویری مبهم در واقع کوهی از مشکلات و موانع در مقابل دیدگان‌شان مجسم می‌گردد. مهریه سنگین و مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر، هدایا و لباس گوناگون، هزینه‌های هنگفت جشن‌های عقد و عروسی و هزینه اجاره، رهن یا خرید، بارداری، فقدان شغل و ده‌ها مسئله دیگر خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی مسئله ازدواج جوانان را به تاخیر می‌اندازد (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷: ۱۱). ازدواج پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است، ازدواج سر آغاز تشکیل خانواده است و خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی است که تاریخی به قدمت حیات انسان دارد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۷)، در واقع میل به ازدواج از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نیازهای نوع انسانی در جامعه بشری است و چه بسا دختران و پسران که امید و آرزوی خود را در زندگی فردا می‌جستند حالا آن را پیشرو دارند و در صدد بهره‌برداری صحیح و دلپسند از زندگی می‌باشند، با این تفاوت که خانواده‌های امروزی در مسیر تحولات‌شان با دو تحول عمده ساختاری و کارکردی در این زمینه درگیر شده‌اند، تحول ساختاری براین مبنا که حوزه ساختاربندی قدرت در خانواده را تعیین می‌کند و حوزه کارکردی به وظایفی که خانواده در طول حیات خود برعهده داشته است اشاره می‌کند، در راستای این تحولات است که جامعه‌شناسان مسیر تحولات خانواده را از خانواده‌های «گسترده» به «هسته‌ای» شناسایی کرده‌اند، با این نگاه به خانواده و آسیب‌شناسی تحولات آن می‌توان مسئله تاخیر سنی ازدواج را در میان جوانان به شیوه نوینی تبیین نمود. چرا که آن چه در جامعه امروزی ما مشهود است صحبت از تحول خانواده به سوی خانواده هسته‌ای و در برخی مناطق در مرحله گذار از این وضعیت می‌باشد، با این توضیح مسئله تاخیر سنی ازدواج و سایر مسائل از قبیل افزایش طلاق و ... را می-

توان در نوع ساختار و کارکرد نهاد خانواده آن هم در بعد هسته‌ای تشریح نمود. چرا که نگاهی به گذشته خانواده‌های گسترده در ایران بیانگر آن است که زودرسی سن ازدواج و منع اجتماعی طلاق و تکیه بر ازدواج‌های درون همسری از مسائل خانواده در آن زمان بوده است، ولی امروزه در خانواده‌های هسته‌ای با تأخیر سنی ازدواج، تکرار و افزایش طلاق و تکیه بر ازدواج‌های برون همسری مواجه هستیم، آمارهای موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در ایران با تحولات عمده‌ای رو به رو شده است، بر این اساس سن ازدواج زنان بین سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۴۵) با افزایش تدریجی همراه بوده است و این افزایش در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است، به طوری که در سال ۱۳۸۱ بیش از ۴/۱ درصد دختران ۲۹-۲۵ ساله هنوز ازدواج نکرده بودند، هم‌چنین سن ازدواج زنان در ایران طی سال‌های سرشماری (۱۳۸۱-۱۳۴۵) به تدریج افزایش یافته و از ۱۸/۴ به ۲۳/۲ درصد رسیده در صورتی که سن متوسط ازدواج مردان فقط از ۲۵/۸ به ۲۵/۹ سال رسیده است (کازمی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۶). تأخیر در سن ازدواج می‌تواند تبعات اجتماعی زیادی به همراه داشته باشد، از جمله آسیب‌ها و مضرات دیر ازدواج کردن می‌توان به عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌توجهی به آن در سایر زمینه‌های زندگی، گرایش به ارتباطات غیرممتعارف دختر و پسر، هدر رفتن سنین جوانی و طراوت، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم ارضای نیازهای فرد، دل‌نگرانی والدین از دیر ازدواج کردن فرزندان، افسردگی و اختلالات جنسی، پناه بردن به مواد مخدر و بسیاری از آسیب‌های دیگر اشاره نمود، در شهر بناب نیز بر اساس آمارهای به دست آمده در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ آمار ازدواج‌های بالای ۳۰ سال به ترتیب از ۱۶/۳۱، ۱۷/۷۸، ۱۹/۴۶ درصد بوده است (سازمان ثبت احوال شهر بناب)، که این خود نشان دهنده افزایش سن ازدواج‌های بالای ۳۰ سال در این شهر بوده است، لذا تحقیق حاضر در صدد بررسی این سوال بوده است که عوامل اجتماعی مرتبط با ازدواج دیررس (مورد مطالعه جوانان بالای ۳۰ سال شهر بناب) کدامند؟

اهداف تحقیق

- مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس مورد مطالعه جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب
- تعیین تفاوت بین نوع پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و دیررسی ازدواج جوانان
- تعیین رابطه بین میزان تمایل به ادامه تحصیل و دیررسی ازدواج جوانان
- تعیین رابطه بین میزان مشکل پسندی جوانان و دیررسی ازدواج‌شان
- تعیین رابطه بین میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یکدیگر و دیررسی ازدواج آنان
- تعیین رابطه بین میزان احساس مشکل اشتغال جوانان پسر و دیررسی ازدواج آنان
- تعیین رابطه بین میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر و دیررسی ازدواج آنان

- تعیین رابطه بین میزان تمایل به زندگی مجردی و دیررسی ازدواج جوانان
- تعیین رابطه بین میزان سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده و دیررسی ازدواج‌شان.

چارچوب نظری

ازدواج به عنوان یک متغیر وابسته توسط صاحب‌نظران مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، از دیدگاه جامعه‌شناسی ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقاء نسل انسان است و آرامش و امنیت در یک جامعه نتیجه ازدواج سالم و محیط آرام بخش خانواده است. سن ازدواج در یک جامعه تا حدودی نشان دهنده شیوه سازمان‌دهی زندگی خانوادگی و همچنین بیانگر فرصت‌هایی است که زنان و مردان جوان در زمان ازدواج از آن برخوردار هستند. ازدواج دیررس به نوبه خود می‌تواند عوارض و پیامدهای جدی برای جوانان به همراه داشته باشد، از جمله این عوارض و آسیب‌ها مثل عدم مسئولیت‌پذیری، گرایش به ارتباطات غیرمعارف دختر و پسر، هدر رفتن سنین جوانی و طراوت، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم رضای نیازهای فردی، دل‌نگرانی والدین از دیر ازدواج کردن فرزندان، افسردگی، اختلالات جنسی، پناه بردن به مواد مخدر و ... را می‌توان اشاره نمود.

در مدل کارکردگرایی ساختاری پارسونز چهار خرده نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام یافته است که در ارتباط با یکدیگر هستند و به این ترتیب عهده‌دار کارکرد حفظ و تداوم الگوها، نیل به اهداف، انطباق با شرایط محیطی، ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی می‌باشند. البته این مدل انتزاعی بوده و در همه سطوح کلان، میانه و حتی گروه‌های کوچک قابلیت تعمیم دارد و در هر خرده نظام نیز می‌توان این چهار کارکرد را جست و جو کرد (صدیقی، ۱۳۷۴). این مدل کارکردگرایی پارسونز برای متغیر نوع پایگاه اقتصادی-اجتماعی اخذ شده است به همراه تئوری تورم رکودی که به عنوان یک نحله فکری در جامعه‌شناسی معتقد است که در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی ازدواج‌ها به تاخیر می‌افتند و یا اصلاً منفی می‌شوند، در این دیدگاه از میان ابعاد عمده ازدواج تنها به یکی از این موانع که وجه اقتصادی آن می‌باشد پرداخته و به مسئله ازدواج تنها از یک زاویه می‌نگرد و آن از زاویه وضعیت اقتصادی است (مجدالدین، ۱۳۸۶)، از تئوری‌های بی‌سازمانی اجتماعی رابرت کی مرتن و امیل دورکیم برای متغیر میزان مشکل پسندی جوانان استفاده شده است که بر اساس این تئوری‌ها در تحلیل مسائل اجتماعی ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آن‌ها را مشخص نماید تا جامعه درحالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد، بر اساس این رهیافت هرگاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا به طور کلی‌تر در ساختار جامعه، هماهنگ باشند جامعه دچار مشکل نخواهد بود ولی چنان‌چه اهداف و وسایل با ساختار جامعه مغایرت و عدم هماهنگی را داشته باشد جامعه دچار مشکل خواهد بود (مجدفهر، ۱۳۸۳). امیل دورکیم (۱۹۱۶-۱۸۵۸)

در کتاب تقسیم کار اجتماعی ضمن اشاره به انتقال انسجام از مکانیکی به ارگانیکی، آثار آن را به صورت بروز بی‌هنجاری، اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش‌های اجتماعی بررسی می‌کند، به عقیده وی با گذر به جامعه ارگانیکی وجدان جمعی ضعیف می‌شود، فردیت افراد رشد می‌یابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزش‌ها شایع می‌گردد، از تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود و هم‌چنین از تئوری‌های شلسکی، گرانسهایم و تامپسون برای متغیرهای میزان تمایل به ادامه تحصیل، میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر، میزان تمایل به زندگی مجردی و میزان مشکل اشتغال جوانان پسر استفاده شده است، بر اساس تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری (جامعه) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی می‌داند به عقیده وی زمانی که دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان (دگرگونی‌هایی مانند: شهرنشینی، صنعتی شدن، آموزش همگانی و ...) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز در سطح کلان رخ می‌دهد، سازمان‌های سطوح خرد (خانواده) نیز اجباراً باید خود را با این دگرگونی سطح کلان انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۷)، از مهم‌ترین شاخص‌های مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد (محمودیان، ۱۳۸۳). نظر شلسکی مبنی بر این است که با کار کردن زن در بیرون از خانه امنیت و موجودیت خانواده که به وجود آورنده و زیربنای معنوی رفتار است، به خطر افتاده و سبب نابسامانی‌هایی در روابط اجتماعی در درون خانواده می‌گردد. الیزابت بک گرانسهایم نیز اشاره جالبی به خانواده دارد، او با اشاره به نظریه‌های کارکردگرایان که در آن تقسیم نقش میان زن و مرد به صورت مرد شاغل، زن خانه‌دار است، می‌گوید، در الگوی ایده‌آل خانواده کارکردگرایان کلیه اعضای خانواده حداقل توقع را از پدر-شوهر دارند و سعی در فراهم کردن آسایش و رفاه و به نوعی محافظت او در برابر مشکلات جهان خارج دارند، تا پدر-شوهر از مشکلات اجتماعی فارغ گشته و در محیط خانواده امکان شکوفایی و ثبات شخصیت خود را به دست آورد از دید گرانسهایم این ترکیب اصلاً خانواده نیست، بلکه نوعی خاص از «زندگی مجردی» است، این مدل زندگی مرد مجردی است که زن و فرزند هم دارد. ادوارد تامپسون در کتاب «ایجاد طبقه کارگر انگلیسی» با لحنی شورانگیز به توصیف آثار انقلاب صنعتی می‌پردازد و معتقد است «هر مرحله در تفکیک تکامل تخصص صنعتی ضربه‌ای را نیز بر اقتصاد خانواده وارد می‌ساخت و روابط متداول بین مرد و زن و والدین و فرزندان را مختل می‌کرد و شکافی بارز را بین «کار» و «زندگی» پدید می‌آورد. یک صد سال کامل طول کشید تا عوایدی از این تفکیک به شکل ابزار صرفه‌جویی کار در منزل [یعنی وسایل مدرن خانه‌داری] نصیب زنی شود که خارج از خانه شاغل بود، در طول این دوره زنگ کارخانه‌ها هر بامداد خانواده را با خشونت از هم می‌پاشید (سگالین، ۱۳۷۰: ۸۹). برای متغیر میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یکدیگر هم از تئوری نوگرایی، ریسک و مخاطره‌گیدنز استفاده شده است. گیدنز در تئوری خود معتقد است که عنصر اساسی دیگر ریسک اعتماد است، از نظر گیدنز ما در

دنیایی زندگی می‌کنیم که لبریز از ریسک‌هاست، در جامعه سنتی از نظر گیدنز، ریسک وجود ندارد بلکه در دنیای مدرن ریسک وجود دارد مثل ازدواج که در جوامع سنتی از پیش انتخاب شده است و ریسک کمتری وجود دارد، در دنیای پر از ریسک امروزی و مدرنیته انسان‌ها با بی‌نهایت انسان دیگر مواجه می‌شوند، پس ریسک بیشتری وجود دارد، در دنیای پر از ریسک باید اعتماد کرد (گیدنز، ۱۳۸۸)، پس بنابراین یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دو رویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۸). برای متغیر سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده هم از تئوری مکتب فرانکفورت (ماکس هورکهایمر) می‌توان استفاده کرد، ایشان در مقاله‌ای مشهور با نام خانواده و اقتدار در دوران معاصر به خصوص بر روی روش‌های اقتداری پدر خانواده تاکید کرده و با توجه به پیشینه تاریخی اقتدار، وجود آن را در حال حاضر در خانواده مضر تشخیص داده و در مقاله خود می‌نویسد، از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار (یا دیکتاتوری در سطح جامعه) آماده می‌سازد، خانواده در مقام اول قرار دارد (اعزازی، ۱۳۸۷: ۲۰)، لذا در پژوهش مذکور متغیرهای اجتماعی مرتبط با ازدواج دیررس عبارت است از: نوع پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، میزان تمایل به ادامه تحصیل جوانان، میزان مشکل پسندی جوانان، میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یک‌دیگر، میزان مشکل اشتغال جوانان پسر، میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر، میزان تمایل به زندگی مجردی و میزان سخت‌گیری در ازدواج از سوی خانواده بر روی جوانان می‌باشد.

تحقیقات انجام یافته

کاظمی‌پور (۱۳۸۴) پژوهشی تحت عنوان تحول در سن ازدواج جوانان به ویژه دختران طی یک دهه اخیر دریافت این تحولات باعث افزایش سن ازدواج در دختران ۲۲/۳ بوده است و ۸۰ درصد از پاسخگویان مشکلات مالی و اقتصادی را مهم‌ترین دلیل افزایش سن ازدواج پسران اعلام کرده‌اند. وی با اشاره به تصور عمومی مبنی بر این که مشکلات اقتصادی و بیکاری مهم‌ترین مانع ازدواج به موقع است افزود اگر این طور باشد جوانان بی‌سواد و کم‌سواد که مشکل بیشتری در یافتن شغل و حل مسائل اقتصادی دارند، اصلاً نباید ازدواج کنند در حالی که نتایج مطالعات نشان می‌دهد که این افراد بسیار زودتر از سایرین ازدواج می‌کنند، در واقع این موضوع ثابت می‌کند که میزان تحصیلات با افزایش سن ازدواج رابطه مستقیم دارد به طوری که هر چه فرد تحصیلات بیشتری دارد، توقع بالاتری از اشتغال و سطح زندگی دارد، بنابراین دیرتر ازدواج می‌کند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۴: ۵). اسکندری چراتی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر تاخیر سن ازدواج با تاکید بر استان گلستان در سال ۱۳۸۷ انجام

داد. روش پژوهش وی اسنادی و پیمایشی و شیوه نمونه‌گیری‌اش خوشه‌ای منطقه‌ای و تصادفی ساده بود. جامعه آماری محقق در این پژوهش جوانان در سن ازدواج (۱۸-۳۵ سال) این شهر و جامعه نمونه ۳۹۰ نفر بود که با فرمول کوکران انتخاب گردید. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین متغیرهای ادامه تحصیل، بالا بودن انتظارات و سخت‌گیری در انتخاب همسر، نداشتن شغل مناسب، فقر خانواده، موقعیت اجتماعی خانواده و وضع ظاهری با تاخیر در سن ازدواج جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

آبدخت (۱۳۸۴) به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران شهر تهران پرداخت. محقق در این پژوهش با استفاده از روش علی-مقایسه‌ای و با توسل به پرسشنامه در صد رسیدن به اهداف تحقیق مبادرت ورزید. جامعه آماری محقق در این پژوهش دختران ازدواج کرده و نکرده واقع در سنین ۲۵-۴۰ ساله شهر تهران و حجم نمونه ۲۵۲ نفر بود و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای گردآوری شد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که دختران ازدواج نکرده نسبت به دختران ازدواج کرده از تحصیلات بالاتری برخوردارند، به علاوه بیشترین شاغلین را دختران ازدواج نکرده تشکیل می‌دادند تا دختران ازدواج کرده، دختران ازدواج نکرده از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری نسبت به دختران ازدواج کرده برخوردارند و بالاخره این که دختران تحصیل کرده، تحصیلات و دختران ازدواج کرده سن را جزء معیارهای نخستین انتخاب همسر قرار دادند. حسین‌زاده (۱۳۸۷) پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر تاخیر در سن ازدواج جوانان برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در شهرستان گرمسار انجام داد. چارچوب نظری محقق را دیدگاه‌های کارکردگرایی تشکیل می‌دهند، بر اساس تئوری‌های مزبور فرضیاتی با اهداف شناخت زمینه‌ها و عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر بالا رفتن سن ازدواج و میزان اهمیت هریک از عوامل فوق به آزمون گذاشته شد، در این پژوهش محقق به طور همزمان از روش‌های اسنادی و روش پیمایش استفاده نمود، برای دقت در سنجش متغیر-ها سن ازدواج دو نسل (والدین و فرزندان آن‌ها) مقایسه و سپس سن پیشنهادی والدین برای ازدواج فرزندان خود با سن واقعی ازدواج آن‌ها مورد توجه قرار گرفت، نتایج پژوهش وی نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین وضعیت شغلی، میزان تحصیلات، وضعیت مسکن جوانان و میزان درآمد خانواده با تاخیر در سن ازدواج جوانان وجود دارد.

پورکتابی و غفاری (۱۳۹۰) تحقیقی تحت عنوان علل افزایش سن ازدواج دختران در شهرهای مختلف ایران انجام دادند که در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است و جامعه آماری آن در دو گروه دختران مجرد و زنان متأهل ۲۵ تا ۴۴ ساله ساکن در مراکز شهری کشور با حجم نمونه بالغ بر ۱۲۹۱ نفر می‌باشد، شهرهای مورد نظر در این تحقیق ۵ شهر تهران، ساری، خرم‌آباد، مشهد و سمنان بوده است و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست رفته بیش

از فرصت ازدواج است. شهروزی (۱۳۸۶) پژوهشی تحت عنوان بررسی پیامد اجتماعی افزایش سن ازدواج دختران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام داد. محقق در این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و جامعه آماری که ۲۱۸ نفر بود و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده گردآوری شد، نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که بین سطح تحصیلات عالی، استقلال طلبی، فشار اجتماعی، روش انتخاب همسر و افزایش سن ازدواج دختران رابطه معنادار وجود دارد.

هیوول (۱۹۴۴) پژوهشی تحت عنوان بررسی علل افزایش سن ازدواج انجام داد، وی در مورد علل افزایش سن ازدواج چنین اظهار می‌کند، عوامل متعددی بر زمان ازدواج موثر هستند، یکی از مهم‌ترین عوامل موثر، تحصیلات عالی زنان است، که با تاخیر ازدواج همبستگی نشان می‌دهد، دومین عامل اشتغال زنان می‌باشد، از عوامل دیگر، دشواری دسترسی به زوج مناسب است که در اثر پدیده‌ای به نام عدم تعادل جنسی در هنگام ازدواج ناشی می‌شود و عامل دیگر، میزان آزادی در انتخاب همسر می‌باشد. ازدواج‌های ترتیب داده شده نسبت به ازدواج‌های آزاد در سنین پایین‌تری اتفاق می‌افتد، در ممالک غربی، تقریباً افراد آزادی کاملی در انتخاب شریک زندگی‌شان دارند، در کشورهای در حال توسعه، ازدواج‌های ترتیب داده شده در سیستم‌های خانواده هسته‌ای احتمالاً کمتر از سیستم‌های خانواده گسترده است، این چنین ازدواج‌ها (ترتیب داده شده) مسئولیت بزرگی برای خانواده محسوب می‌شود و توسط والدین یا خویشان یا دایه‌ها صورت می‌گیرد (هیوول، ۱۳۸۸: ۷۸). جین پل ساردن برای نشان دادن تفاوت‌های الگوی ازدواج اروپای شرقی و غربی وضعیت زناشویی را در ۲۱ کشور اروپایی با استفاده از تحلیل نسلی و خوشه‌ای بررسی نمود، یافته‌های پژوهشی وی نشان داد که در دو دهه اخیر ازدواج در اروپای شرقی زودرس بوده و عمومیت بیشتری داشته است، اما در اروپای غربی کاملاً برعکس بوده و حتی نسبت بالایی از افراد هرگز ازدواج نکرده دیده می‌شود که تمایل به زندگی مجردی را دارند علاوه بر این ساردن دریافت که میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان و زنان اروپای شرقی به ترتیب ۲۵/۱ و ۲۲/۱ بوده، در حالی که ارقام مشابه در اروپای غربی ۲۷/۲ و ۲۴/۱ بوده است (حسین‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). دویل سی گیلین خاطر نشان می‌سازد که در رژیم استبدادی فرانسه قبل از سال ۱۷۸۹ «هر چه سطح زندگی پایین‌تر بود، سن ازدواج دختر عقب‌تر می‌رفت، ولی در سن ازدواج مردان تاثیری نداشت، از طرف دیگر بحران و بدی محصول، در طبقات فقیر از دو حالت خارج نبود، یا دخترها خیلی زود ازدواج می‌کردند و یا اصلاً ازدواج نمی‌کردند، وی نتیجه می‌گیرد که وقتی سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی پایین بیاید روز به روز تعداد زن‌هایی که از شوهرشان مسن‌تر هستند، بیشتر می‌شود، در بعضی از روستاها عروس، کوچک‌تر از ۳۰ الی ۳۵ بود بر عکس طبقه اعیان و اشراف نگران سن ازدواج فرزندان نیستند (گیلین، ۱۷۸۹: ۱۴۲). سوزان فرگوسن در تحقیق خود عنوان چالش ازدواج سنتی که تعدادی از زنان آمریکایی، چینی و ژاپنی ازدواج نکرده (مجرد) را بررسی کرده، به این نتیجه رسیده است که چگونگی زناشویی والدین، موقعیت این زنان به عنوان دختر بزرگ خانواده و یا تنها دختر، اهداف تحصیلی و فقدان خواستگار مناسب از جمله عواملی است که بر عدم

تمایل آن‌ها به ازدواج تأثیر گذاشته است. به گفته فرگوسن بر اساس تحقیقات محققینی مانند: گرسون، گولدشر و ویت دوعامل در تأخیر زمان ازدواج و عدم ازدواج زنان تأثیر بسیار داشته است. این دوعامل عبارت است از: تلاش برای تحصیلات بالا و شغل مناسب (فرهمند بیگی، ۱۳۸۷).

فرضیه‌ها

۱. بین نوع پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و دیررسی ازدواج جوانان تفاوت وجود دارد.
۲. بین میزان تمایل به ادامه تحصیل و دیررسی ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان مشکل پسندی جوانان و دیررسی ازدواج‌شان رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یکدیگر و دیررسی ازدواج آنان رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان احساس مشکل اشتغال جوانان پسر و دیررسی ازدواج آنان رابطه وجود دارد.
۶. بین میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر و دیررسی ازدواج آنان رابطه وجود دارد.
۷. بین میزان تمایل به زندگی مجردی و دیررسی ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.
۸. بین میزان سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده و دیررسی ازدواج‌شان رابطه وجود دارد.

متغیرهای تحقیق

الف) متغیرهای پیش‌بین (x) مستقل شامل: نوع پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان تمایل به ادامه تحصیل، میزان مشکل پسندی جوانان، میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یکدیگر، میزان مشکل اشتغال جوانان پسر، میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر، میزان تمایل به زندگی مجردی و میزان سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده می‌باشند.

ب) متغیر ملاک (y) وابسته شامل: دیررسی ازدواج جوانان بالای ۳۰ سال شهر بناب می‌باشد. خانواده: گروهی از افراد (دو یا بیشتر) که میان آن‌ها روابط خویشاوندی برقرار است و در مکانی واحد زیست می‌کنند (مجدفر، ۱۳۸۳: ۲۲۹). ازدواج: عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه روابط پایایی جنسی، موجب می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۵).

تعریف مفهومی دیررسی ازدواج

عبارت است از: میزان عقب افتاد سن مطلوب ازدواج جوانان در جامعه برحسب متغیرهای کمی سال‌ها و یا متغیرهای کیفی (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷: ۱۲). ازدواجی که دیرتر از سن مناسبی که در هر جامعه برای ازدواج تعیین کرده است صورت می‌گیرد (عمید، ۱۳۷۴: ۱۴۶۳).

منظور از ازدواج‌های دیررس در این تحقیق، ازدواج‌های بالای ۳۰ سال می‌باشد که در این‌جا برای سنجش آن از افراد، سوال شده است که سن ازدواج خود را ذکر کنند، لازم به توضیح است که تمام نمونه -

های انتخاب شده پاسخگویی بوده است که سن ازدواج‌شان بالای ۳۰ سال می‌باشد چون ما قبلاً از سازمان بهداشت مرکزی شهر بناب مشخصات کامل آنان را گرفته و به سراغ‌شان رفتیم و جامعه آماری ما متشکل از افرادی است که سن ازدواج آن‌ها در گروه سنی ۳۹-۳۰ سالگی قرار داشته‌اند، لذا در این تحقیق برای سنجش میزان دیررسی ازدواج از پاسخگویان سن ازدواج‌شان پرسیده شده است.

تعریف مفهومی پایگاه اقتصادی-اجتماعی

ارزش و اعتباری است که گروه یا جامعه برای نقش اقتصادی-اجتماعی قائل است (مجدفر، ۱۳۸۳: ۲۹۶). برای سنجش این متغیر از سوال‌های زیر استفاده شده است: میزان تحصیلات خود پاسخگو، همسر و والدین‌شان، میزان درآمد خانواده خود پاسخگو و شغل پاسخگو، همسر و والدین‌شان مدنظر قرار گرفته است. در این تحقیق سعی شده است که سوالاتی در مورد میزان علاقه‌مندی به ادامه تحصیل از پاسخگویان قبل از ازدواج‌شان پرسیده شود، نظیر: قبل از ازدواج تا چه اندازه تمایل به ادامه تحصیل داشتید و ... مدنظر قرار گرفته است.

تعریف مفهومی میزان مشکل‌پسندی جوانان

میزان مشکل‌پسندی جوانان درانتخاب همسر، به میزان سخت‌گیری‌هایی که جوانان درانتخاب همسر دارند را دربرمی‌گیرد. این متغیر با گویه‌هایی نظیر: آراستگی، زیبایی ظاهر و خوش‌اندام بودن همسر، سن مناسب همسر، داشتن اعتقادات مذهبی و رعایت حجاب، داشتن شغل مناسب و درآمد بالای همسر مدنظر قرار می‌گیرد.

تعریف مفهومی میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یکدیگر

به میزان داشتن اعتماد یا اطمینان به کسی یا چیزی اطلاق می‌شود (سیف، ۱۳۹۱)، در این تحقیق میزان اعتماد جوانان مجرد دختر و پسر به یکدیگر مدنظر قرار می‌گیرد. در این تحقیق متغیر میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یکدیگر با گویه‌هایی نظیر: قبل از ازدواج تا چه اندازه نسبت به خواستگار خود (پاسخگویان زن) و یا گزینه مورد نظر برای ازدواج (پاسخگویان مرد) اعتماد داشتید، قبل از ازدواج تا چه اندازه پدر و مادران اجازه برقراری ارتباط با فرد مورد نظران را به منظور آشنایی بیشتر می‌دادند، قبل از ازدواج تا چه اندازه والدین‌تان اجازه رفت و آمد خانوادگی برای برقراری ارتباط بیشتر با همدیگر را می‌دادند و قبل از ازدواج تا چه اندازه همسر فعلیتان با رفتارهایش اعتمادتان را بیشتر به خودش جلب می‌کرد، مدنظر قرار می‌گیرد.

تعریف مفهومی مشکل اشتغال جوانان پسر

داشتن مشکل در پیدا کردن شغل مناسب درخور شان و منزلت خود فرد. در این تحقیق مشکل اشتغال جوانان پسر با گویه‌هایی مثل: به نظر شما پیدا کردن شغل برای ازدواج جوانان تا چه اندازه ضرورت دارد، قبل از ازدواج تا چه حد تمایل به یافتن شغل ثابت داشتید و تا چه اندازه قبل از پیدا کردن شغل مناسب حاضر به پذیرفتن ازدواج بودید، پرسیده شده است.

تعریف مفهومی میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر

به میزان میل، علاقه و رغبتی که جوانان دختر برای داشتن شغل دارند را میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر می‌گوییم.

در این تحقیق میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر با گویه‌هایی مثل: به نظر شما پیدا کردن شغل برای ازدواج جوانان تا چه اندازه ضرورت دارد، قبل از ازدواج تا چه حد تمایل به یافتن شغل ثابت داشتید و تا چه اندازه قبل از پیدا کردن شغل مناسب حاضر به پذیرفتن ازدواج بودید، پرسیده شده است.

تعریف مفهومی میزان تمایل به زندگی مجردی

جوانانی که تمایل به داشتن زندگی مجردی و تنها زیستن دارند.

در این تحقیق متغیر میزان تمایل به زندگی مجردی با گویه‌هایی نظیر: به نظر من جوانان قبل از ازدواج باید زندگی مجردی را تجربه کنند تا به پختگی برسند، امروزه اغلب جوانان قبل از قبول مسئولیت خانوادگی تمایل به زندگی مجردی دارند و در پیش گرفتن زندگی مجردی و ازدواج در سن بالا باعث می‌شود که خانواده‌ها استحکام بیشتری پیدا کنند، مدنظر قرار می‌گیرد.

تعریف مفهومی میزان سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده

سخت‌گیری‌هایی که از سوی خانواده مخصوصاً والدین در انتخاب همسر برای جوانان صورت می‌گیرد را سخت‌گیری در ازدواج جوانان می‌گوییم.

در این تحقیق میزان سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده با گویه‌هایی نظیر: برخی معتقدند در انتخاب همسر درآمد و وضعیت اقتصادی همسر و خانواده او از ملاک‌های درجه اول است، به نظرم خانواده‌ها لازم است نسبت به مسئولیت‌پذیری همسر اهمیت بیشتری بدهند، به نظرم خانواده‌ها لازم است نسبت به خلق و خوی و اخلاقیات همسر بهای بیشتری بدهند و به نظرم خانواده‌ها باید به داشتن شغل بهتر و تحصیلات بالای همسر اهمیت بیشتری بدهند مدنظر قرار می‌گیرد.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر را جوانان ازدواج کرده بین ۳۰ تا ۳۹ سال تشکیل می‌دهد که در سال‌های (۹۰، ۹۱ و ۹۲) در شهر بناب ازدواج کرده‌اند و تعداد آنان ۹۶۶ نفر می‌باشد که البته این رقم یک رقم خام بوده است که ما ازدواج‌های مجدد را کنار گذاشته و فقط جوانانی را مورد بررسی قرار دادیم که برای اولین بار در این سال‌ها ازدواج می‌کردند. برای به دست آوردن حجم نمونه متناسب با جامعه آماری این پژوهش از فرمول کوکران استفاده شد، در این تحقیق بر اساس نمونه‌گیری تصافی سیستماتیک ابتدا جامعه آماری را بر حجم نمونه تقسیم می‌کنیم تا میزان فاصله نمونه‌گیری انتخاب نمونه‌ها به دست بیاید در این جا جامعه آماری (۹۶۶) نفر تقسیم بر تعداد حجم نمونه (۱۹۷) نفر که حدود (۵) می‌آید، سپس با انتخاب عدد تصادفی (به قید قرعه) از اعداد زیر ۱۰ عدد به فرض عدد ۵ انتخاب می‌شود بر اساس فاصله نمونه‌گیری به ترتیب و به طور سیستماتیک (منظم) اعداد ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ... را انتخاب و سپس به سراغ افرادی که قبلاً به ترتیب اعداد مشخص شده بود رفتیم و با توجه به این که در این تحقیق مشخصات دقیق (اعم از نام و نام‌خانوادگی و آدرس دقیق محل سکونت) همه ازدواج کرده‌ها بر اساس اطلاعات موجود در مرکز بهداشت شهر بناب به دست آمده بود توانستیم بعد از مشخص شدن نمونه‌ها به سراغ آن‌ها رفته و داده‌های مورد نیاز را جمع‌آوری کنیم.

اعتبار و پایایی

برای تعیین اعتبار از اعتبار صوری (نظرات اساتید محترم) استفاده شد و برای اندازه‌گیری پایایی آن نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است و جدول زیر میزان آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): ضریب آلفای کرونباخ برای عوامل

موثر بر جامعه‌شناسی از دواج دبررس جوانان

متغیرها	میزان آلفای کرونباخ
ادامه تحصیل	۰/۹۱۷
مشکل پسندی	۰/۸۶۴
اعتماد جوانان	۰/۹۴۱
احساس مشکل اشتغال پسران	۰/۷۱۹
تمایل به اشتغال دختران	۰/۷۱۶
تمایل به زندگی مجردی	۰/۸۴۱
سخت‌گیری در ازدواج از سوی والدین	۰/۹۰۵

با توجه به جدول شماره (۱)، ضریب آلفای کرونباخ برای عوامل موثر بر جامعه‌شناسی ازدواج دیررس جوانان به دست آمده است و چون این مقادیر بالاتر از حد قابل قبول یعنی ۰/۷ می‌باشند، لذا این امر نشانگر پایایی مناسب متغیرهای مورد نظر می‌باشد.

روش تحقیق

روش این تحقیق بنا به ماهیت و نوع موضوع توصیفی از نوع پیمایش می‌باشد، این تحقیق از نظر زمانی مقطعی، از نظر دامنه پهنانگر، از نظر وسعت خرد و از نظر هدف کاربردی است. با توجه به این که روش تحقیق ما به صورت پیمایشی بوده است اما از روش اسنادی هم غافل نمانده‌ایم، برای به دست آوردن آمارهای مربوط به سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ از سازمان ثبت احوال شهر بناب مدد گرفتیم، سپس به سازمان بهداشت مرکزی بناب مراجعه کرده و مشخصات افرادی (نام، نام‌خانوادگی، شماره تلفن، نشانی محل سکونت) که در طی این سه سال ازدواج کرده بودند در دفترهای مخصوصی بایگانی شده بود را از آن جا گرفته و سپس به در خانه‌شان رفتیم و پرسشنامه‌ها را در اختیارشان قرار دادیم.

ابزارهای اندازه‌گیری

در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که به دو صورت پرسش باز و سوالات بسته استفاده شد، که برای سنجش سوالات، از ارائه گویه‌ها به شکل طیف لیکرت استفاده شد و هم‌چنین برای پاسخگویان بی‌سواد از مصاحبه استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

این تحقیق در صدد بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب می‌باشد. عوامل مرتبط با دیررسی ازدواج در این تحقیق شامل: نوع پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان تمایل به ادامه تحصیل، میزان مشکل پسندی جوانان، میزان اعتماد جوانان نسبت به یک‌دیگر، میزان اشتغال جوانان دختر و پسر، میزان تمایل به زندگی مجردی و میزان سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده می‌باشد که ما در مدل تحقیق نیز این عوامل را به صورت مدل ترسیم نموده‌ایم و سپس با توجه به داده‌های حاصله با استفاده از روش پیمایش از طریق نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک در طی سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ پرداختیم و متأسفانه به دلیل آماده نبودن داده‌های سال ۱۳۹۳ در سازمان ثبت احوال شهر بناب ما فقط توانستیم به داده‌های این سه سال متوالی بسنده نماییم.

ازدواج به عنوان یک متغیر وابسته توسط صاحب‌نظران مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، از دیدگاه جامعه‌شناسی ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقاء نسل انسان

است و آرامش و امنیت در یک جامعه نتیجه ازدواج سالم و محیط آرام بخش خانواده است. سن ازدواج در یک جامعه تا حدودی نشان‌دهنده شیوه سازمان‌دهی زندگی خانوادگی و همچنین بیانگر فرصت‌هایی است که زنان و مردان جوان در زمان ازدواج از آن برخوردار هستند. ازدواج دیررس به نوبه خود می‌تواند عوارض و پیامدهای جدی برای جوانان به همراه داشته باشد، از جمله این عوارض و آسیب‌ها مثل عدم مسئولیت‌پذیری، گرایش به ارتباطات غیرمعارف دختر و پسر، هدر رفتن سنین جوانی و طراوت، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم‌ارضای نیازهای فردی، دل‌نگرانی والدین از دیر ازدواج کردن فرزندان، افسردگی، اختلالات جنسی، پناه بردن به مواد مخدر و ... را می‌توان اشاره نمود، در مدل کارکردگرایی ساختاری پارسونز چهار خرده نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام یافته است که در ارتباط با یکدیگر هستند و به این ترتیب عهده‌دار کارکرد حفظ و تداوم الگوها، نیل به اهداف، انطباق با شرایط محیطی، ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی می‌باشند، البته این مدل انتزاعی بوده و در همه سطوح کلان، میانه و حتی گروه‌های کوچک قابلیت تعمیم دارد و در هر خرده نظام نیز می‌توان این چهارکارکرد را جست و جو کرد (صدیقی، ۱۳۷۴). این مدل کارکردگرایی پارسونز برای متغیر نوع پایگاه اقتصادی-اجتماعی اخذ شده است به همراه تئوری تورم رکودی که به عنوان یک نحله فکری در جامعه‌شناسی معتقد است که در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی ازدواج‌ها به تاخیر می‌افتند و یا اصلاً منفی می‌شوند، وی به مساله ازدواج تنها از یک بعد اقتصادی نگاه می‌کند- (مجدالدین، ۱۳۸۶). امیل دورکیم (۱۹۱۶-۱۸۵۸) در کتاب تقسیم کار اجتماعی ضمن اشاره به انتقال انسجام از مکانیکی به ارگانیکی، آثار آن را به صورت بروز بی‌هنجاری، اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش‌های اجتماعی بررسی می‌کند، به عقیده وی با گذر به جامعه ارگانیکی وجدان جمعی ضعیف می‌شود، فردیت افراد رشد می‌یابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزش‌ها شایع می‌گردد. دورکیم معتقد است که خانواده گروه طبیعی نیست که به وسیله والدین بنا شده باشد، بلکه نهادی است اجتماعی که عوامل اجتماعی آن را به وجود آورده‌اند، زیرا قاعده دورکیم بر این است که هر عمل اجتماعی را به وسیله عمل اجتماعی دیگر تبیین می‌کند (آزادارمکی، ۱۳۸۶).

یافته‌های جمعیتی تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ۵۷/۹ درصد نمونه مورد مطالعه را مرد و ۴۲/۱ درصد نمونه مورد مطالعه را زن تشکیل می‌دهد. از نظر سطح تحصیلات، تحصیلات خود پاسخگو: زیر دیپلم ۱۲/۲، دیپلم ۴۶/۷، فوق دیپلم ۲۴/۹، لیسانس ۱۱/۲، فوق لیسانس و بالاتر ۵/۱ می‌باشد. تحصیلات همسر، زیردیپلم ۱۴/۲، دیپلم ۴۴/۲، فوق دیپلم ۲۵/۹، لیسانس ۱۰/۷، فوق لیسانس و بالاتر ۵/۱ می‌باشد. تحصیلات پدر، زیر دیپلم ۴۹/۲، دیپلم ۳۴/۵، فوق دیپلم ۱۳/۲، لیسانس ۳، فوق لیسانس و بالاتر ۰ می‌باشد. تحصیلات مادر، زیر دیپلم ۶۲/۹، دیپلم ۲۱/۳، فوق دیپلم ۱۵/۷، لیسانس ۰، فوق لیسانس و بالاتر ۰ می‌باشد. منزلت شغلی خود پاسخگو: مشاغل سطح پایین ۲۷/۴، مشاغل سطح متوسط ۴۱/۶ و مشاغل سطح بالا ۳۱ درصد

می‌باشد. منزلت شغلی همسر: مشاغل سطح پایین ۳۳/۵، مشاغل سطح متوسط ۳۳ و مشاغل سطح بالا ۳۳/۵ درصد می‌باشد. منزلت شغلی پدر: مشاغل سطح پایین ۲۰/۳، مشاغل سطح متوسط ۴۱/۶ و مشاغل سطح بالا ۳۸/۱ درصد می‌باشد. منازات شغلی مادر: مشاغل سطح پایین ۵۷/۴، مشاغل سطح متوسط ۳۴/۵ و مشاغل سطح بالا ۸/۱ درصد می‌باشد. متوسط درآمد خانواده در ماه: خانواده‌هایی با درآمد سطح پایین ۴۱/۱ درصد، درآمد سطح متوسط ۴۳/۷ درصد و درآمد سطح بالا ۱۵/۲ درصد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر با توجه به چارچوب نظری و مدل تحلیلی تحقیق فرضیه استخراج شده است که جهت آزمون فرضیه‌ها و نیز گزارش یافته‌های جانبی تحقیق، از روش‌های آماری متفاوتی نظیر آزمون تحلیل واریانس و آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است، بنابراین می‌توان گفت:

- بین نوع پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده و دیررسی ازدواج جوانان تفاوت وجود دارد.

از آن‌جا که سطح معنی‌داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۹۸ می‌باشد که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که بین نوع پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده و دیررسی ازدواج جوانان تفاوت معناداری وجود ندارد، بر این اساس می‌توان گفت که این نتایج با تحقیقات کاظمی‌پور (۱۳۸۴)، آبدخت (۱۳۸۴)، حسین‌زاده (۱۳۸۷)، دویل سی گلینل (۱۳۸۹) و اسکندری چراتی (۱۳۸۷) همسو نمی‌باشد.

- بین میزان تمایل به ادامه تحصیل و دیررسی ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری که ۰/۰۰۲ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کوچک‌تر بوده لذا می‌توان گفت که بین میزان تمایل به ادامه تحصیل و دیررسی ازدواج جوانان رابطه معناداری وجود دارد و همچنین این نتایج با یافته‌های کاظمی‌پور (۱۳۸۴)، اسکندری چراتی (۱۳۸۷)، آبدخت (۱۳۸۴)، حسین‌زاده (۱۳۸۷)، شهروزی (۱۳۸۶)، هیوول (۱۹۸۸)، فرگوسن (۲۰۰۰) و پورکتایی و غفاری همسو می‌باشد.

- بین میزان مشکل پسندی جوانان و دیررسی ازدواج‌شان رابطه وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون پیرسون که ۰/۰۳۳ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد، پس بنابراین می‌توان گفت که بین میزان مشکل پسندی جوانان و دیررسی ازدواج‌شان رابطه معناداری وجود دارد و همچنین این نتایج با یافته‌های اسکندری چراتی (۱۳۸۷)، شهروزی (۱۳۸۶) و هیوول (۱۹۸۸) همسو می‌باشد.

- بین میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یک‌دیگر و دیررسی ازدواج آنان رابطه وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون پیرسون ۰/۷۰۰ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی‌داری ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت که بین میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یک‌دیگر و دیررسی ازدواج آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد و با توجه به تئوری نوگرایی آنتونی‌گیدنز یکی از مهم‌ترین آفت-

های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۸).

- بین میزان احساس مشکل اشتغال جوانان پسر و دیررسی ازدواج آنان رابطه وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون پیرسون $0/008$ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی‌داری $0/05$ کوچک‌تر می‌باشد پس بنابراین می‌توان گفت که بین میزان احساس مشکل اشتغال جوانان پسر و دیررسی ازدواج‌شان رابطه معناداری وجود دارد و همچنین این نتایج با یافته‌های کاظمی‌پور (۱۳۸۴)، اسکندری چراتی (۱۳۸۷) و حسین‌زاده (۱۳۸۷)، هم‌سو می‌باشد.

- بین میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر و دیررسی ازدواج آنان رابطه وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون پیرسون $0/026$ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی‌داری $0/05$ کوچک‌تر بوده است، پس بنابراین می‌توان گفت بین میزان تمایل به اشتغال جوانان دختر و دیررسی ازدواج آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد و همچنین این نتایج با یافته‌های کاظمی‌پور (۱۳۸۴)، اسکندری چراتی (۱۳۸۷)، آبدخت (۱۳۸۴)، حسین‌زاده (۱۳۸۷)، هیوول (۱۹۸۸) و فرگوسن (۲۰۰۰) هم‌سو می‌باشد.

- بین میزان تمایل به زندگی مجردی و دیررسی ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون پیرسون $0/049$ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی‌داری $0/05$ کوچک‌تر بوده است، پس بنابراین می‌توان گفت بین میزان تمایل به زندگی مجردی و دیررسی ازدواج جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد و همچنین این نتایج با یافته‌های جین پل ساردن (۱۳۸۷) هم‌سو می‌باشد. بر اساس تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری (جامعه) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی می‌داند، به عقیده وی زمانی که دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان (دگرگونی‌هایی مانند: شهرنشینی، صنعتی شدن، آموزش همگانی و ...) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز در سطح کلان رخ می‌دهد، سازمان‌های سطوح خرد (خانواده) نیز اجباراً باید خود را با این دگرگونی سطح کلان انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۷). امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۶) در کتاب تقسیم کار اجتماعی ضمن اشاره به انتقال انسجام از مکانیکی به ارگانیکی، آثار آن را به صورت بروز بی‌هنجاری، اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش‌های اجتماعی بررسی می‌کند، به عقیده وی با گذر به جامعه ارگانیکی وجدان جمعی ضعیف می‌شود، فردیت افراد رشد می‌یابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزش‌ها شایع می‌گردد.

- بین میزان سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده و دیررسی ازدواج‌شان رابطه وجود دارد.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون پیرسون $0/499$ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی‌داری $0/05$ بزرگ‌تر بوده است، پس بنابراین می‌توان گفت بین میزان سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده و

دیررسی ازدواج‌شان رابطه معنی‌داری وجود ندارد، در تئوری مکتب فرانکفورت، هورکهایمر در مقاله‌ای مشهور با نام خانواده و اقتدار در دوران معاصر به خصوص بر روی روش‌های اقتداری پدر خانواده تاکید کرده و با توجه به پیشینه تاریخی اقتدار، وجود آن را در حال حاضر در خانواده مضر تشخیص داده و در مقاله خود می‌نویسد، از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار (یا دیکتاتوری در سطح جامعه) آماده می‌سازد، خانواده در مقام اول قرار دارد (اعزازی، ۱۳۸۷: ۲۰).

پیشنهادها

با توجه به فرضیات مطرح شده در تحقیق و نتایج گرفته شده از آن‌ها می‌توان گفت که در بین جوانان اعتماد به جنس مخالف کمتر شده، مخصوصاً در شهر بناب و این یکی از دلایل عقب افتادگی سن ازدواج در این شهر است که در این خصوص پیشنهاد می‌گردد که:

۱. با وجود بی‌اعتمادی‌هایی که در شهر بناب به جنس مخالف می‌شود، باید زمینه‌هایی مناسب و درست برای ایجاد اعتماد در بین جوانان فراهم گردد، به نوعی اعتمادسازی صورت گیرد و در این خصوص هم خود آنتونی گیدنز می‌گوید که در دنیای پر از ریسک باید اعتماد کرد.

۲. رسانه‌ها نیز در این خصوص (بی‌اعتمادی جوانان نسبت به یکدیگر در مورد ازدواج) بی‌کار نشینند و راهکارهای مناسبی را در این زمینه به گوش مردم، مخصوصاً جوانان برسانند البته با دعوت از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و اساتید مرتبط با این موضوع.

۳. همه مسئولان و دست‌اندرکاران شهر بناب با به وجود آوردن فضای مناسب در دانشگاه‌ها و ایجاد مراکز مشاوره‌ای خبره در خصوص اعتمادسازی و همچنین با به وجود آوردن اعتماد به نفس (البته بعد از انجام تحقیقات در خصوص همسر مورد نظر) جوانان را در این امر مهم یاری نمایند.

۴. با این که شبکه سلامت هر هفته یک برنامه در مورد ازدواج دارد امید است که رسانه‌ها با تهیه فیلم‌ها و سریال‌ها و مستندهای آگاهی‌دهنده به جوانان و خانواده‌ها، آنان را در خصوص امر ازدواج در سنین مناسب کمک نمایند.

۵. با انجام تحقیقات متعدد در مورد ازدواج دیررس و همچنین در مورد اعتمادسازی در بین جوانان (در خصوص انتخاب همسر) می‌تواند کمکی برای همه جوانان به ویژه جوانان شهر بناب باشد.

در خصوص فرضیات میزان احساس مشکل اشتغال جوانان (پسر) و میزان تمایل به داشتن شغل جوانان (دختر)، از آن جا که هر دو فرضیه تایید شده می‌باشند با وجود این می‌توان پیشنهاد کرد که:

۶. درست است که داشتن شغل برای جوانان پسر الزامی است اما این ضرورت برای جوانان دختر وجود ندارد، پس بنابراین دختران نباید به خاطر این مساله (داشتن شغل) ازدواج خود را به تاخیر بیندازند.

۷. مسئولان و دست‌اندرکاران شهر باید اشتغال‌زایی بیشتری برای جوانان بنابی به وجود آورند تا مشکل اشتغال جوانان حل شود و آنان در سنین مناسب اقدام به ازدواج نمایند.

امید است که نتایج حاصل از این پژوهش بتواند راهکارهای مناسبی را در اختیار خانواده‌ها، مسئولان، متولیان بخش فرهنگی و دولتمردان این شهر قرار دهد تا بتوانند با شناخت عوامل تاثیرگذار بر این پدیده برنامه‌ریزی‌های مقتضی را در جهت داشتن شهری با سن ازدواج مناسب انجام دهند و ارزش‌های جوانان را از ازدواج گریزی به سمت ازدواج گزینی سوق دهند.

منابع

- آبدخت، ح. (۱۳۸۴). **بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران شهر تهران**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی خانواده ایرانی**. تهران: انتشارات سمت.
- اسکندری چراتی، آ. (۱۳۸۷). **بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تاخیر سن ازدواج در ایران با تاکید بر استان گلستان**. **فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی**. دانشگاه آزاد آشتیان. سال چهارم، شماره سوم.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بودن، ر. (۱۳۷۰). **تحرك اجتماعی**. ترجمه: مومناکاشی. گناباد: نشر مردبیز.
- حبیب‌پورکنایی، ک؛ و دیگری. (۱۳۹۰). **علل افزایش سن ازدواج دختران**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسین‌زاده، ر. (۱۳۸۷). **بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر در تاخیر ازدواج جوانان شهرستان گرمسار**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد گرمسار.
- دوبلسی، گ. (۱۷۸۹). **بررسی رژیم استبدادی فرانسه و سن ازدواج**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات سروش.
- سگالین، م. (۱۳۷۰). **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**. ترجمه: ح. الیاسی. تهران: نشر مرکز.
- سیف، ع. ا. (۱۳۹۱). **روان‌شناسی پرورشی نوین**. تهران: نشر دوران.
- شهریزی، ل. (۱۳۸۶). **بررسی پیامد اجتماعی افزایش سن ازدواج دختران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- عمید، ح. (۱۳۷۴). **فرهنگ لغت عمید**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرهمند بیگی، س. (۱۳۸۷). **بررسی رفتارهای فردگرایانه و جمع‌گرایانه به تفکیک جنس در تاخیر در ازدواج**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- کاظمی‌پور، ش. (۱۳۸۴). **تحول در سن ازدواج جوانان به ویژه دختران طی یک دهه اخیر**. **پژوهش زنان**. شماره سه.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۸). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه: م. ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: م. صبوری. تهران: نشر نی.
- مجدالدین، ا. (۱۳۸۶). **بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران**. **فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی**. دانشگاه آزاد آشتیان. سال دوم، شماره چهارم.
- مجدفر، ف. (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی عمومی**. تهران: انتشارات شعاع.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۳). **سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان**. **مجله علوم اجتماعی**. شماره ۲۴.
- هیول، م. (۱۳۸۸). **بررسی علل افزایش سن ازدواج**. ویژه‌نامه علمی استانداری مازندران.